**نقش انسان در مقدرات شب قدر**

ادله اى كه نقش انسان را در مقدرات شب قدر ثابت مى كند به شرح زیر تقدیم مى گردد:

**1- حالات و دریافت هاى شخصى**

كسانى كه اهل دعا و راز و نیاز و اهل شب قدر هستند، نقش خویش را در شب قدر به خوبى دریافته اند. گاهى این حالات آن چنان ژرف و تاثیرگذار است كه تا شب قدر آینده و بلكه تا آخر عمر، در همه افكار، اخلاق، كردار و رفتار شخص رخنه كرده و آن را در یك خط و سیر معنوى قرار مى دهد. دیگرانى هم كه به این حد از معنویت راه پیدا نمى كنند، به فراخور حال خود از مجالس و محافل و شب زنده داریهاى شب قدر بهره بردارى كرده و فیض معنوى مى برند. ریشه اصلى این دگرگونى ها و حالات، به خود افراد برمى گردد و اینكه تا چه حد خود را آماده بهره بردارى از بركات شب قدر و فضیلت هاى آن كرده باشند. اگر معنویاتى كه در شب قدر نصیب انسان شده و در زندگى آن ها تحولى آفریده، هیچ ارتباطى با آنان نداشته باشد و تنها به خدا و فرشتگان و نویسندگان مربوط باشد كه هر چه بخواهند، براى هر كس بدون ملاحظه حالاتش تقدیر كنند در این صورت مقتضاى حكمت و مصلحت این است كه یا به هیچ كس هیچ ندهند و یا آنچه مى دهند، به همه یكسان و على السویه بدهند؛ در حالى كه ما مى دانیم همه بركات خداوندى در شب قدر براى بندگان سرازیر مى گردد و با اختلاف و تفاوت به آنان داده مى شود؛ پس نتیجه مى گیریم تنها دلیل این تفاوت، كارها و اعمال و میزان تلاش خود بندگان است و بس. نتیجه اینكه یكى از راه هاى رسیدن به اینكه آیا افراد در مقدرات منتخب قدر، صاحب نقش هستند یا نه، این است كه ببینیم چه اندازه دگرگونى در همین شب با بركت در آنان ایجاد گشته است.

**2- شناساندن شب قدر**

خداوند تبارك و تعالى با نزول سوره اى خاص، شب قدر را به مردم معرفى فرموده است. در دو آیه این سوره مباركه فرموده است: قرآن در شب قدر نازل شده و فرشتگان در آن شب فرود می آیند. سپس افزوده است: شب سلامت است. و فرموده است: عمل صالح در او، برابر با عمل صالح در طول هزار ماه است.

فردى به امام باقر(ع) عرض كرد: مراد و مقصود از اینكه شب قدر بهتر از هزار ماه است چیست؟ حضرت فرمودند: «والعمل الصالح فیها من الصلاه والزكاه و انواع الخیر خیر من الف شهرلیس فیها لیله القدر» (1)؛ كار شایسته از قبیل نماز و زكات، صدقات و انفاقات و، انواع خوبى ها در آن شب برتر از هر كار شایسته اى است كه در مدت هزار ماه كه شب قدر در آن نیست، انجام شود. اگر كارهاى نیك بندگان و چند برابر پاداش آن تاثیرى در مقدرات و سرنوشت افراد در شب قدر ندارد، از گفتن و دانستن آن چه سودى عاید بندگان مى شود؟ اگر نزول قرآن در شب قدر و بیان كردن این مطلب، سود و زیانى را متوجه هیچ كس نمى كند، چه انگیزه اى در اعلام این شب نهفته است؟ اگر دانستن نزول فرشتگان، در نتیجه تلاش افراد سودمند نباشد، چرا باید مردم در جریان آن باشند و دانستن آن چه گرهى از كار بندگان مى گشاید؟ مى دانیم كه كار بیهوده حتى از افراد عادى و معمولى پسندیده نیست، چه رسد به پروردگار آسمان و زمین كه هیچ كارى را بدون حكمت و مصلحت انجام نمى دهد. حكمت معرفى شب قدر به عنوان شبى كه قرآن در آن نازل شده و شبى كه مقدرات در آن سامان داده مى شود، این است كه بنده سرنوشت و مقدرات خویش را به قرآن پیوند بزند و آن را سرمشق و سرچشمه فكر و عمل خویش قرار بدهد،اگر كردارش موافق با قرآن و در جهت آن باشد، عمل كننده به آن سعادتمنداست و اگر خداى نكرده مخالف با قرآن باشد، فاعل آن شقى خواهدبود.

**3- اجماع و سیره مسلمانان**

مى دانیم كه همه دانشمندان اسلام و مسلمانان از هر فرقه و گروهى، بر اهمیت شب قدر و احیاى آن تاكید فراوان دارند و به شب زنده دارى آن شب، اهتمام مى ورزند. نقل شده كه یكى از دانشمندان بزرگ اسلام، براى اینكه شب قدر را درك كند، یك سال تمام یعنى حدود 357 شب، از سر شب تا به صبح شب زنده دارى كرد.(2) این همه اقبال و توجه به تشكیل اجتماعات با شكوه براى خواندن دعا و مناجات و راز و نیاز و تضرع و ابتهال، همراه گریه وزارى و استغفار، برخاسته از یك واقعیت انكارناپذیر است و آن دخالت انسان ها در سرنوشت خودشان است.

**4- سفارش امامان دین بر احیاى شب قدر حتى در حال بیمارى**

امام صادق(ع) به ابوبصیر مى فرماید: «وصل فى كل واحده منهما مئه ركعه»؛ در هر یك از دو شب بیست و یكم و بیست و سوم صد ركعت نماز بخوان «واحیهما ان استطعت الى النور)»؛ تا مى توانى آن دو شب را تا سپیده صبح شب زنده دارى كن «واغتسل فیهما»؛ در آن دو شب غسل كن. ابوبصیر عرض كرد اگر نتوانستم ایستاده نماز بخوانم؟ فرمودند: نشسته بخوان.

-اگر باز هم نتوانستم؟ خوابیده بخوان.

-اگر باز هم نتوانستم؟ ایرادى ندارد كه سر شب كمى بخوابى و باقى مانده شب را، به هر نحوى كه مى توانى به عبادت بپردازى، چون در ماه رمضان، درهاى آسمان گشوده است، شیطان ها در زنجیرند و اعمال مومنان پذیرفته مى شود.

از حدیث فوق، مى توان تاثیر فراوان كارهاى انسان را بر سرنوشت او ارزیابى كرد. مى بینیم ابوبصیر كه یك راوى زبردست و كار كشته در فن روایت است، با پیش بردن مرحله به مرحله سوال ها در صدد آن است كه ژرفاى شب قدر و اهمیت عمل در آن شب را به دست آورد؛ امام(ع) هم، چنان بر اهمیت عبادت در شب قدر پافشارى مى فرمایند كه رضایت نمى دهند بنده حتى اگر بیمار باشد، از نتیجه اعمال صالح خویش محروم گردد. نكته در خور توجهى كه تاثیر انسان را مشخص مى كند، جمله پایانى امام(ع) است كه آن را به عنوان ریشه و علت تاكید و تشویق بر عمل صالح بیان فرموده اند؛ آنجا كه فرمودند: «و تقبل اعمال المومنین»؛ اعمال مومنان در شب قدر پذیرفته مى شود. (3(

**5- تشویق زیاد به دعاهاى ماثور و راز و نیاز**

مى دانیم كه دعاهاى شب قدر، از طولانى ترین و پر محتواترین دعاهاست؛ دعاهایى مانند ((جوشن كبیر))، ((ابوحمزه ثمالى)) و امثال آن ها، كه اگر با حال و توجه خوانده شود، مایه انقلاب و دگرگونى روحى است، ادعیه اى كه انسان را با دریایى از معارف آشنا مى كند. انسان با خواندن دعا از یك طرف، با یاد آورى لطف، گذشت، كرم، رحمت و بخشش بى پایان خداى مهربان او را در كنار و دستگیر خویش مى بیند و نور امید در دلش مى درخشد و از دیگر سو، با یاد آوردن سختى هاى جان كندن، تنگى و فشار قبر، گرفتارىهاى عالم برزخ، حساب و كتاب فرداى قیامت، شعله هاى دردناك و سوزان دوزخ و حسابرسى دقیق در صحراى محشر، تمام وجودش، سرشار از ترس و نگرانى گردیده و آنچه عیش و نوش است فراموش كرده و گذشته خود و آنچه بوده و كرده است را با آنچه باید باشد مى سنجد و زیانى كه در گذشته متوجه وى شده است را در مى یابد و علاوه بر شك و تردیدى كه نسبت به راه و روش نا مطلوب خویش پیدا مى كند، ندامت سراسر وجودش را پر كرده و تصمیمى سرنوشت ساز مى گیرد و مسیر زندگى اش را دگرگون مى كند. اگر هم به این مرحله نرسد، لااقل بر كردار خود بیشتر مواظبت خواهد داشت؛ زیرا بیم و امیدى كه دستاورد شب قدر است در مراحل زندگى به یارىاش مى شتابد. در مقابل، اگر كسى از دعا رو برگرداند و شب قدر را هم به غفلت سپرى كند، در همان جمود و غفلت، زندگى را به پایان خواهد برد و سرنوشتى شقاوت بار در انتظارش مى باشد. از گفتار فوق، این نتیجه به دست می آید كه در واقع خود انسان وارد مسیر سرنوشت خویش گشته و آن را تغییر مى دهد. گاهى براى پیمودن مسیر مقدرات، بر بال دعا و گاه بر بال عمل مى نشیند؛ گر چه دعا هم نوعى عمل محسوب مى شود. بنابراین، دعا در شب هاى قدر كه یك كار اختیارى است منشااثر است و در سرنوشت افراد دخالت دارد؛ به همین دلیل به آن سفارش اكید شده است. علاوه بر سفارش شفاهى بزرگان دین و علماى اسلام به خواندن دعاها در طول سال، در شب هاى قدر تاكید بیشترى بر این امر شده است؛ پس حتما منشا اثر است وگرنه كار لغو و بیهوده از بزرگان سر نمى زند.

**6- نكوهش بهره نبردن از شب قدر**

پیامبر گرامى اسلام(ص) فرمودند: ((من ادرك لیلة القدر، فلم یغفر له فابعده الله )) (4)؛ از خداوند به دور باد و نفرین بر كسى كه به شب قدر برسد و زنده باشد، اما آمرزیده نشود. با این حدیث نقش انسان در تعیین سرنوشت خود واضح تر مى گردد و معلوم مى شود كه بدبختى و شقاوت مقدر در شب قدر، نتیجه كار خود بندگان است وگرنه از نظر منطقى با توجه به شان و مقام پیامبر گرامى(ص) قابل قبول نیست كه آن بزرگوار به خاطر انجام ندادن كارى بى اثر و بى خاصیت، سهل انگاران را نكوهش و مذمت فرمایند. ((انس بن مالك)) از پیامبر(ص) نقل كرده كه فرمودند:((ان هذا الشهر قد حضركم))؛ ماه مبارك به شما رو آورده است. ((و فیه لیله خیر من الف شهر))؛ در این ماه شبى است كه برتر از هزار ماه است. ((من حرمها فقد حرم الخیر كله))؛ هر كس از فیض شب قدر محروم گردد، از تمام خیرات بى نصیب مانده است. ((ولا یحرم خیرها الا محروم)) (5)؛ و محروم نمى ماند از بركات شب قدر، مگر كسى كه خویشتن را محروم كرده است. روایات، بعضى از گناهان را مانع بهره بردارى گناهكار از شب قدر دانسته اند، از جمله آن كارها میخوارگى یا ((دایم الخمر)) بودن و نیز آزار پدر و مادر است.

**7- شب قدر مكمل اعمال صالح**

یكى از دلایل تفضل شب قدر به امت اسلام، كامل و پر كردن پیمانه اعمال صالح مسلمانان و جبران كمبودهاى آنان است، تا با دستى پر این جهان را ترك كنند. پیش از این گفتیم كه امام صادق(ع) در تفسیر آیه شریفه ((لیله القدر خیر من الف شهر)) فرمودند: مراد این است كه انجام كار خوب در آن شب برابر عمل صالح در طول هزار ماه است. روایتى نیز از امام باقر(ع) وارد شده، در پاسخ به این پرسش كه چرا شب قدر به وجود آمده و به عبارت دیگر فلسفه شب قدر چیست؟ ایشان مى فرمایند: ((و لولا ما یضاعف الله للمومنین، لما بلغوا ولكن الله عز و جل یضاعف لهم الحسنات))؛ اگر خداوند كارهاى مومنان را چند برابر نكند به سر حد كمال نمى رسند، اما از راه لطف كارهاى نیكوى آن ها را چند برابر مى فرماید تا كاستى هایشان جبران شود. از این روایت و روایت قبلى به خوبى مى توان فهمید كه مبنا و اساس، عمل صالح خود بنده است؛ هنگامى كه یك عمل صالح معمولى با زمانى پر بركت و مقدس همراه گردد، از ارزشى چند برابر برخوردار مى شود و گاه همراه شدن یك عمل صالح با ولایت و اعتقاد و امامت مى تواند انسان را به اوج شرافت برساند؛ پس، راز سعادتمند شدن انسان ها در شب قدر، عمل اختیارى صالحى است كه با عنایت خداوند، بركت یافته و چند برابر مى شود. در روایات به پاره اى از اعمال سفارش شده كه نتیجه ویژه آن در شب قدر نهفته است

**8- نتیجه بخش بودن بعضى از اعمال در شب قدر**

1. **نماز :** ((انس بن مالك)) از پیامبر گرامى(ص) روایت كرده كه فرمودند: ((من صلى من اول شهر رمضان الى آخره فى جماعه فقد اخذ بحظا من لیله القدر)) (6)؛ كسى كه از اول تا آخر ماه مبارك، در نماز جماعت حاضر شود، بهره اى از شب قدر نصیبش شده است.
2. **افطارى دادن با مال حلال:** ((ابو شی ابن حیان)) از پیامبر اكرم(ص) نقل كرده كه فرمودند: ((من فطر صائما فى شهر رمضان من كسب حلال صلت علیه الملائكه و لیالى رمضان كلها و صافحه جبرائیل(ع) لیله القدر و من صافحه جبرائیل(ع) یرق قلبه و تكثر دموعه...)) (7)؛ كسى كه با مالى كه از راه حلال به دست آورده، روزه دارى را افطار دهد، در تمام شب هاى رمضان فرشتگان بر او درود فرستند و جبرئیل در شب قدر با وى مصافحه كند، نشانه مصافحه جبرئیل آن است كه دل مصافحه شونده نرم و اشكش جارى مى شود.
3. **صدقه :**در باره امام زین العابدین(ع) آمده است: ((كان اذا دخل شهر رمضان تصدق فى كل یوم بدرهم فیقول: لعلى اصیب لیله القدر)) (8)؛ در هر روز ماه مبارك یك درهم صدقه مى دادند، آن گاه مى فرمودند: شاید با این كار، شب قدر را دریابم و از آن بهره گیرم.

((عبدالله بن مسعود)) روایت مى كند كه شبى رسول خدا(ص) از نماز عشا فارغ شد، مردى از میان صفوف برخاست و گفت: اى مهاجران و انصار، مردى غریبم و بر هیچ چیز قدرت ندارم. مرا طعامى دهید. رسول خدا گفت: اى فقیر، ذكر غریب مكن كه دل مرا اندوهگین ساختى. بعد از آن فرمودند: غریبان چهار قسمند:

1. مسجدى كه در میان قومى باشد كه در آنجا نروند و نماز نخوانند.
2. مصحفى و قرآنى كه در خانه اى باشد و مردم آن خانه از آن تلاوت نكنند.
3. عالمى كه در میان جماعتى باشد و ایشان تفقد وى نكنند و از او مسایل دینى سوال نكنند.
4. اسیران اهل اسلام كه در میان كفار باشند،

پس فرمود: كیست كه موونه و غذاى این مرد را كفایت كند تا در فردوس اعلا خدا او را جاى دهد؟ حضرت على(ع) برخاست و دست سائل را گرفت و به حجره فاطمه زهرا(س) رفت و گفت: اى دختر رسول خدا، در كار این میهمان نظرى كن. حضرت زهرا فرمود: در خانه طعام اندكى موجود است و حسن و حسین گرسنه اند و شما روزه دارید و آن طعام یك نفر را بیشتر كفایت نمى كند. على(ع) فرمود: آن را حاضر كن.

فاطمه(س) طعام را پیش آورد. حضرت امیر آن طعام را پیش میهمان نهاد و با خود گفت كه اگر من از این طعام بخورم میهمان را كافى نباشد و اگر نخورم سبب خجالت میهمان شود، پس دست دراز كرد به سوى چراغ و چنان نشان داد كه چراغ را اصلاح مى كنم و آن را خاموش كرد و فاطمه(س) را گفت در روشن كردن چراغ دیگر تعلل كن تا میهمان از خوردن غذا فارغ شود و خود حضرت دهان را مى جنباند تا مهمان تصور كند كه على غذا مى خورد. و چون میهمان از غذا خوردن فارغ شد فاطمه(س) چراغ را آورد و طعام همچنان برجاى بود. امیرالمومنین فرمود: اى فقیر، چرا طعام خود را نخوردى؟ گفت: سیر شدم؛ پس على(ع) و فاطمه(س) و حسن(ع) و حسین(ع) و فضه و همسایگان از آن طعام خوردند و هنوز باقى بود. (9(

1. **شب زنده دارى:** حضرت رسول(ص) فرمودند: ((من احیا لیله القدر حول عنه العذاب الى السنه القابله)) (10)؛ كسى كه شب قدر را شب زنده دارى كند، تا شب قدر آینده، عذاب دوزخ از او دور گردد.
2. **غسل و شب زنده دارى:** امام موسى بن جعفر(ع) فرمودند: ((من اغتسل لیله القدر و احیاها الى طلوع الفجر خرج من ذنوبه)) (11)؛ كسى كه در شب قدر غسل كرده و تا سپیده صبح شب زنده دارى كند، گناهانش آمرزیده مى شود.

روایاتى كه ذكر شد به خوبى دلالت دارند كه برخى مقدرات و پاداش ها، مانند دور شدن عذاب دوزخ كه در حدیث پیامبر اكرم(ص) ذكر شده بود، نتیجه كار خود بندگان است. موارد فوق مى تواند براى نشان دادن اینكه سرنوشت هر انسانى در شب قدر به دست خودش رقم مى خورد، كافى باشد، ولى براى تكمیل بحث، نكاتى چند كه خارج از چارچوب شب قدر و نشان دهنده موثر بودن انسان در تعیین سرنوشت خویش است را مطرح مى كنیم. این بحث تكمیلى را در دو بخش انجام مى دهیم:

**1- پاداش‌ها در ماه مبارك رمضان:** امام هشتم على بن موسى الرضا (ع) فرمودند: در ماه مبارك كارهاى خوب پذیرفته و كارهاى زشت بخشیده شده است. خواندن یك آیه قرآن در این ماه، برابر با یك ختم قرآن در ماه هاى دیگر است. كسى كه برادر خود را با یك لبخند شاد كند، در روز واپسین خداوند دلش را شاد كرده و مژده بهشت به او دهد. كسى كه مومنى را در این ماه یارى كند، خداوند در روزى كه قدم ها بر پل صراط مى لغزند او را دستگیرى كرده و از پل صراط عبورش خواهد داد. هركس خشم خود را نگه دارد، خداوند در روز قیامت بر وى خشم نكند. هركس درمانده اى را فریادرسى كند، خداوند در روز قیامت وى را از رسوایى بزرگ ایمن گرداند و رسوایش نكند. كسى كه ستمدیده اى را یارى كند، خداوند او را در دنیا، در مقابل دشمنانش یارى كرده و در روز قیامت نیز، در موقف حساب و میزان یاریش فرماید. (12) و در روایت دیگر امام صادق(ع) از پیامبر اكرم(ص) روایت كرده كه فرمودند: كسى كه ماه مبارك رمضان را روزه دارد و از حرام و تهمت زدن به دیگران اجتناب ورزد، خدا از او خشنود شده و بهشت را بر او واجب و حتمى مى كند. (13) دو روایت بالا ارتباط محكم پاداش ها و اعمال بنده در ماه مبارك و نقش انسان در ترسیم سیماى درونى او را كاملا آشكار نموده است.

**2- پاداش عمل با صرف نظر از زمان خاص:** آیات و روایات فراوانى هست كه بعضى دگرگونى ها و پاداش هاى خاص را نتیجه كار بنده دانسته، یا عمل او را تنها عامل معرفى كرده اند.

نمونه اى از این آیات و روایات:

((ان الله لا یغیر ما بقوم حتى یغیروا ما بانفسهم))(14)؛ در حقیقت خدا حال قومى را تغییر نمى دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند.

((ظهر الفساد فى البر والبحر بما كسبت ایدى الناس لیذیقهم بعض الذى عملوا لعلهم یرجعون)) (15)؛ به سبب اعمال مردم، فساد در خشكى و دریا آشكار شد تا به آنان جزاى بعضى از كارهایشان را بچشانند، باشد كه باز گردند.

**دعا دگرگون كننده سرنوشت**

((ابن حبان)) و ((حاكم)) از پیامبر اكرم(ص) روایت كرده اند كه فرمود: فقط دعاست كه تقدیر و سرنوشت ها را دگرگون مى كند و تنها نیكى است كه مایه افزایش عمر مى گردد. گاهى شخص گناهى را مرتكب مى شود و به واسطه آن از روزى و نعمتى محروم می ماند.

**اختیار انسان و شب قدر**

آنچه از مجموع مباحث به دست می آید این است كه با ملاحظه آیات و روایات و دریافت ها و مشاهدات، اطمینان كامل پیدا مى كنیم كه شب قدر هیچ گونه منافاتى با اختیار انسان ندارد و یقینا، او در مقدرات و سرنوشتى كه در شب قدر برایش رقم مى خورد موثر است؛ حتى مى شود گفت كه نقش اصلى را به خود انسان سپرده اند تا آنچه بخواهد براى فردا رقم بزند.

1. اصول كافى ، ج 4، ص 158
2. فوائد الرضویه ، ص 10 - قصص العلمإ، ص 18- سیماى فرزانگان ، ج 3
3. وسائل الشیعه، ج 10، باب 32، ص 354
4. بحار الانوار ، ج 94، ص 80، ح 47.
5. كنزالعمال ، ج 8 ، ص 534، ح 24028.
6. همان ، ص 545، ح 24090.
7. الترغیب و الترهیب ، ج 2 ، ص 95، ح 14.
8. بحار الانوار ، ج 95، ص 82.
9. تفسیر منهج الصادقین ، ج 9 ، ص 237.
10. بحار الانوار ، ج 95، ص 145.
11. همان ، ج 80، ص 128.
12. همان ، ج 93، ص 341.
13. همان ، ص 346.
14. رعد ، آیه 11.
15. روم ، آیه 41.
16. تحفه الاحوذى ، ج 6 ، ص 348 ، ح 2225.

**بر گرفته از BALAQ.NET**